

تحلیل شبکه تضاد ذینفعان در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوضه‌های آبخیز دوراهان و چشمه‌علی)

مهدی قاسمی^{۱*} و اسماعیل کرمی دهکردی^۲

۱* - نویسنده مسئول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی و دانشجوی دکتری دانشگاه زنجان، ایران

پست الکترونیک: mehdighasemi1990@yahoo.com

۲- دانشیار، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۳۰

چکیده

منابع طبیعی در بیشتر موارد به‌عنوان کالای مشترک کنشگران ذینفع مختلف در نظر گرفته می‌شود که هر یک ممکن است منافع مختلف و اغلب رقابتی با یکدیگر داشته باشند. مدیریت این تضادها جزء مهمی از مدیریت منابع طبیعی بشمار می‌رود. هدف این مقاله شناخت کنشگران، منافع و منابع آنها و ترسیم الگوی تضاد بین آنها در حوضه‌های دوراهان و چشمه‌علی در استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد. در این زمینه از یک روش‌شناسی مطالعه چند موردی با واحدهای تحلیل چندگانه استفاده شد. دو حوضه آبخیز (هریک حاوی چند روستا) دارای منابع مختلف طبیعی با مالکیت‌های مختلف ملی و مردمی که گزارش‌هایی در مورد اختلاف مالکیت مردم آنها با اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان ثبت شده بود، مورد بررسی قرار گرفتند. در گردآوری داده‌ها از روش‌های کیفی از جمله مشاهده، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند، گروه‌های متمرکز، نقشه‌کشی‌ها و نمودارها استفاده شد و در تحلیل داده‌ها به‌طور ویژه تکنیک ارزیابی الگوی تضاد (CPA) بکار رفت. البته هر یک از کنشگران بیرونی با اجتماعات درونی روستا منافع مختلفی داشتند، که این منافع باعث ایجاد تضاد بین آنها شده بود. همچنین میزان تضاد بین هر یک از کنشگران در سطح متفاوتی قرار داشت، به‌طوری‌که بیشترین میزان تضاد، مربوط به کنشگران حفاظت‌گرا بیان شد. در صورتی که تضاد با کنشگران دیگر در حد اختلاف یا یک نارضایتی ناشی از خدمات‌رسانی نامناسب بود. از مهمترین پیامدهای تضاد بین کنشگران می‌توان به تضعیف معیشت خانوارهای روستایی، مهاجرت خانوارها از روستا و کاهش سرمایه اجتماعی اشاره کرد. با وجود پیامدهای منفی، تضاد در برخی موارد نتایج مثبت کوتاه مدت بر جای گذاشته و باعث بهبود پوشش گیاهی در بعضی مناطق شده است.

واژه‌های کلیدی: تضاد، حفاظت، مدیریت منابع طبیعی، معیشت خانوارها.

مقدمه

نگران‌کننده شده‌اند. آمارهای گوناگونی در مورد تخریب منابع طبیعی ذکر شده است. به‌عنوان مثال فرسایش خاک در ایران از ۳ میلیارد تن در سال ۲۰۰۰ به ۴/۵ میلیارد تن در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است (Karamidehkordi, 2010). هرچند آمارهای مختلفی در مورد تخریب منابع طبیعی در ایران ارائه شده است، ولی آنچه در این آمارها مشترک جلوه

منابع طبیعی هر جامعه، ثروت آن جامعه است که فقط به نسل حاضر تعلق نداشته، بلکه میراثی برای نسل‌های آینده نیز بشمار می‌رود (امیری و رسولی، ۱۳۸۷). طی دهه‌های اخیر منابع طبیعی در اثر عوامل گوناگون که عمده آن عوامل اجتماعی- اقتصادی است، دچار آسیب‌های جدی و

در پژوهش خود بیان می‌دارند، هرگونه عمل گروهی چه در زمینه زندگی خانوادگی باشد و چه در زمینه کشاورزی، منابع طبیعی و یا فراتر از آن در مسائل کشوری و یا بین‌المللی با یکسری از مناقشات و تناقضاتی روبروست، زیرا گروه‌ها و عوامل مؤثر در یک فرایند دارای ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که این عوامل بر نحوه عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد. Zacharakis (۲۰۰۶) اهمیت تضاد را از پنج جنبه مورد بررسی قرار داده است:

۱) مردم آنقدر خودشان را می‌خواهند خوب جلوه دهند که باعث شده به مشکلات به صورت جدی توجه نکنند و مورد چالش نظرات و تفکرات دیگران قرار نگیرند؛ ۲) مردمی که خواهان یکنواختی و صلح هستند، مشکلاتی را برای افرادی بوجود می‌آورند که همانند آنها فکر نمی‌کنند؛ ۳) هنگامی که به اختلافات موجود در جامعه اهمیت داده شود، رفتار پرخاشگرانه کم می‌شود؛ ۴) به‌طور معمول، تضاد یک راهی برای ابراز خشونت است. ابراز این خشونت به صورت آشکار بهتر از حالتی است که در درون افراد حفظ شود و بعداً به صورت یک آتشفشان فوران کند. ۵) تضاد باعث افزایش خودآگاهی، سرزنده بودن و هیجان می‌شود.

Zartman (۱۹۹۷) در تعریف تضاد بیان می‌دارد که اصطلاح تضاد دارای یک جریان معنایی خاص در ادبیات علوم اجتماعی است که گاهی اوقات به‌عنوان یک پدیده منفی و گاهی اوقات به‌عنوان یک رخداد عادی و یا یک کاتالیزور مثبت دیده می‌شود. همچنین رضائیان (۱۳۸۲) تضاد را به‌عنوان فرایندی می‌داند که شخص در آن به‌طور عمد تلاش می‌کند تا مانع موفقیت فرد دیگر شود.

تضادها به صورت تعاملی ترغیب‌کننده و متقابل بین کنشگران درک می‌شوند. تضادها هنگامی پدیدار می‌شوند که کنشگران مختلف در عرصه کنشگری به رقابت بر سر منابع بپردازند یا برای به رسمیت شناختن منابع خود مبارزه کنند. از این رو تضاد به‌طور مستقیم به منافع کنشگران مرتبط است. تضادها می‌توانند به شکل‌های مختلفی دیده شوند. به‌عنوان مثال Giesen (۱۹۹۳) به موارد زیر اشاره می‌کند: ۱) وابسته به منافع و موقعیتی که کنشگر در آن قرار دارد (تضاد

می‌کند، افزایش تخریب و بحرانی بودن شرایط است. در اینجا سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان این چالش‌ها را مدیریت کرد؟

برای پاسخ به این سؤال رویکردهای متفاوتی در یک حوضه آبخیز مطرح می‌شوند. از یکسو، رویکرد حفاظت‌گرا مدیریت حوضه را به صورت علم حفاظت آب و خاک می‌بیند و بالطبع فناوری‌های حفاظت آب و خاک را در جهت حفاظت حوضه مطرح می‌کند (صنوبر و شفقتی، ۱۳۸۵). اگرچه این دیدگاه، به حفاظت حوضه تأکید می‌کند، اما این رویکرد ممکن است منجر به مدیریت حوضه نگردد، زیرا به صورت تک جانبه به مسائل نگاه می‌کند و گویی همه عوامل در دست یک سازمان یا مؤسسه است. رویکرد دوم که بعد از سال ۲۰۰۰ برای مدیریت یک حوضه آبخیز مطرح گردید، بحث مدیریت جامع حوضه‌های آبخیز یا به عبارت دیگر مدیریت مشارکتی بین کلیه ذینفعان موجود در یک حوضه آبخیز می‌باشد که تمامی اصول مهندسی همراه با در نظر گرفتن بیشترین دستیابی هر ذینفع به منافع مورد نظرش به‌کار گرفته می‌شود (غفوری و سررشته‌داری، ۱۳۸۶). از دید کرمی دهکردی (۲۰۱۰) چنین مدیریتی اگر بخواهد اعمال گردد با توجه به مفهوم سیستمیک آن لازم است جامعیت و یکپارچگی حوضه آبخیز مورد توجه قرار گیرد؛ به بیان دیگر جامعیتی که کنشگران مختلف بیرونی و درونی را همراه با عوامل بیوفیزیکی دیگر مورد توجه قرار دهد.

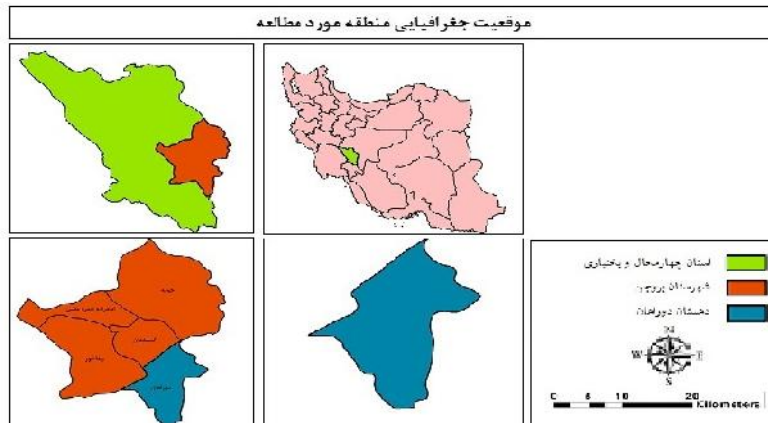
در یک حوضه منافع مختلف و اغلب رقابتی وجود دارد و مدیریت منابع آن همیشه همکاری را می‌طلبد. در حقیقت، تضاد زمانی رخ می‌دهد که دو یا چند گروه بر سر منافع خود ناسازگار هستند (UNDP, 2012). بررسی Helvetas (۲۰۱۰) در ۱۸ کشور این موضوع را نشان می‌دهد که هرگونه مدیریت پیچیده منابع طبیعی باید مسائل مالکیت منابع طبیعی، تخصیص قدرت برای مدیریت و کنترل منابع طبیعی و سهم کردن منافع منابع طبیعی را مورد توجه قرار دهد. البته عدم توجه به این موضوع موجب ایجاد تضاد بین منافع مختلف ذینفعان آن می‌شود. ابدی و لاجینی (۱۳۸۵)،

به‌عنوان واحدهای تحلیل درون هر حوضه به‌عنوان یک مورد (Case) محسوب می‌شود (Yin, 2003). بنابراین دو حوضه آبخیز دوراهان و چشمه علی واقع در دهستان دوراهان و بخش گندمان شهرستان بروجن در استان چهارمحال و بختیاری به‌عنوان دو مورد مطالعه شدند و در هر حوضه روستاهای مختلف به‌عنوان واحدهای تحلیل تکرار شده، بررسی شده‌اند. فاصله مرکز حوضه آبخیز دوراهان تا مرکز شهرستان (بروجن) ۵۰ کیلومتر و تا شهرکرد (مرکز استان) حدود ۱۱۰ کیلومتر می‌باشد. این حوضه با مساحت ۱۲۱۰۰ هکتار در جنوب شهرستان بروجن واقع شده و یکی از زیر حوضه‌های رودخانه ونک از سرشاخه‌های رودخانه ارمند و کارون محسوب می‌شود. روستاهای این حوضه عبارتند از: دوراهان، ده‌توت، ده‌خدا، گردبیشه، ده‌باغ و ده‌علی. حوضه آبخیز چشمه علی نیز دارای وسعتی برابر ۳۷۸۲ هکتار می‌باشد. حداکثر ارتفاع محدوده مطالعاتی ۲۵۸۹/۷ متر و حداقل ارتفاع در خروجی محدوده مطالعاتی برابر ۲۰۵۹/۹ متر می‌باشد و روستاهای این حوضه عبارتند از: چشمه‌علی و له‌دراز.

موقعیتی؛ (۲) جهت‌گیری‌های متناقض با آرمان‌گرایی (تضاد ارزشی)؛ (۳) تضادهای مربوط به توزیع مواد مادی (تضادهای توزیعی)؛ و (۴) تضادهای قانونی، در مورد اعتبار و پیروی از هنجارها (تضاد قانونی). شناخت تضادها و به‌دنبال آن مدیریت آنها یکی از مهمترین مسائل در مدیریت جامع منابع طبیعی بشمار می‌رود و به‌ویژه برای عاملین ارتباطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا شناخت ریشه‌های اختلاف و برقراری توافق در بین بهره‌برداران، تأثیر بسزایی در موفقیت پذیرش نوآوری‌ها و به‌طور متقابل در عملکرد مروجین دارد (ابدی و لاجینی، ۱۳۸۵).

مواد و روش‌ها

این پژوهش از لحاظ نوع مخاطب و استفاده از نتایج آن نوعی پژوهش کاربردی است، در این پژوهش برای تحلیل تضاد از تکنیک ارزیابی الگوی تضاد (CPA: Conflict pattern analysis) استفاده شد (Sauer, 2008). این پژوهش جزء مطالعات چند موردی نهفته (Embedded multiple case study) و با تحلیل شواهد هر روستا



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

ترسیمی و مشاهده استفاده شد. انتخاب افراد در مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز براساس تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی انجام گردید. به‌منظور ترسیم الگوهای تضاد اقدامات زیر به صورت سیستمیک انجام شد: الف) کنشگران کلیدی و مرتبط

با توجه به تکنیک CPA، در گردآوری داده‌ها از یک مطالعه موردی با کمک فنون کیفی پژوهش‌های اجتماعی همانند تجزیه و تحلیل اسناد، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با ۲۰ نفر، گروه‌های متمرکز در ۶ روستا، فنون مشارکتی

در مقابل، هر دو حوضه آبخیز ظرفیت‌های زیادی برای ایجاد اشتغال و تنوع‌سازی معیشت دارند از جمله: (۱) کشت گیاهان دارویی صنعتی و خوراکی با توجه به تنوع گیاهی بالای حوضه؛ (۲) فرآوری گیاهان دارویی صنعتی؛ (۳) توسعه صنعت آبی‌پروری با توجه به توانمندی‌های اکولوژی منطقه به‌ویژه در روستاهای گردبیشه و ده‌خدا؛ (۴) توسعه باغ‌های دیم با توجه به ظرفیت‌های اکولوژی منطقه؛ (۵) توسعه حرفه زنبورداری با توجه به توانمندی‌های بوم‌شناختی منطقه؛ (۶) توسعه زیرساخت‌های تولیدات گلخانه‌ای؛ (۷) توسعه صنایع فرآوری کوچک روستایی (انواع ترشبیجات و مرباجات با توجه به موجود بودن مواد اولیه باغ‌های سیب، زردآلو و غیره)؛ (۸) اجرای طرح‌های مرتع‌داری و دامداری‌های نیمه‌صنعتی؛ (۹) توسعه گردشگری در حوضه با توجه به ظرفیت‌های گردشگری گردبیشه. با وجود توانمندی‌هایی که برای ایجاد اشتغال و تنوع‌سازی معیشت روستائیان وجود دارد، اقدام ویژه‌ای از سوی مؤسسات بیرونی برای ظرفیت‌سازی آنها انجام نشده است.

مهمترین کنشگران بیرونی مرتبط با منابع آب، خاک و پوشش گیاهی این دو حوضه عبارت بودند از: کنشگرانی مانند اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان، سازمان جهادکشاورزی استان، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان و مرکز خدمات کشاورزی / جهادکشاورزی دهستان و شرکت آب منطقه‌ای استان‌های چهارمحال و بختیاری و اصفهان. مهمترین کنشگران درونی دو حوضه نیز عبارت بودند از: روستائیان ساکن حوضه، عشایر عبوری، شوراهای اسلامی روستاها، شوراهای حل اختلاف و تعاونی‌های روستایی. دیگر سازمانهای بیرونی فعالیت چندانی در حوضه نداشتند. هریک از کنشگران اجتماعی مختلف مرتبط با منابع آب، خاک و پوشش گیاهی دارای منافعی در دو حوضه آبخیز بودند که در جدول ۱ به اختصار بیان شده‌اند. همچنین در جدول ۲ نقل قول این کنشگران ارائه شده است.

با حوضه، حوزه عمل، منابع و منابع آنها با استفاده از مصاحبه و گروه‌های متمرکز از طریق کنشگرهای کلیدی شامل اعضای شوراهای روستایی، کارکنان اداره کل منابع طبیعی استان و شهرستان، کارکنان ترویج و جهاد کشاورزی سطح دهستان و شهرستان مشخص گردیدند. (ب) تحلیل و مقایسه منابع و تعیین تفاوت‌ها، تضادها یا بعکس همسویی منابع هر یک از کنشگران و ترسیم الگوی تضاد بین کنشگران مختلف در سطوح جغرافیایی متفاوت. در حقیقت الگوی تضاد از یک جدول گرافیکی دو بعدی تشکیل می‌شود، که در یک سطح نمادها و گروه‌ها در سطوح جغرافیایی مختلف (از مزرعه، محل، اجتماعات روستایی گرفته تا سطح ملی و فراتر از آن) قرار می‌گیرند و در بعد دیگر این جدول رویکرد کنشگران بیرونی و اقدامات جوامع روستایی قرار می‌گیرند. سپس در هر خانه نوع تضاد یا همسویی منابع و برنامه‌ها مشخص می‌شوند. در تحلیل تأثیر این تضادها بر راهبردهای معیشت روستائیان، مهمترین معیارهای مورد نظر عبارت بودند از مالکیت در منابع طبیعی، قدرت هریک از ذینفعان مختلف در منابع طبیعی، تغییر راهبردهای مبتنی بر وابستگی چرای دام و کشت محصولات زراعی به مراتع، کشاورزی خارج از مراتع، فعالیت‌های غیر کشاورزی و مهاجرت نیروی انسانی خانوار اشاره کرد. داده‌ها با استفاده از فنون تحلیل نقلی و مقوله سازی مفاهیم تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

در استان چهارمحال و بختیاری حدود ۸۵ درصد اراضی ملی می‌باشد. به لحاظ وضعیت توپوگرافی استان، همچنین بدلیل عقب‌ماندگی که در بخش اشتغال در استان وجود دارد، بار اشتغال بر دوش منابع طبیعی قرار گرفته و معیشت مردم حوضه‌های آبخیز مورد مطالعه وابسته به منابع طبیعی می‌باشد. بر همین اساس برخی مشاغل مضر و مشاغلی که به طبیعت ضرر می‌زنند مثل زراعت دیم در مناطق پرشیب و زغال‌گیری از درختان اضافه شده است.

جدول ۱- منافع هریک از کنشگران در حوضه دوراهان و چشمه علی - له دراز

کنشگر	سطح جغرافیایی	منافع
اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان	استان / شهرستان	حفاظت از منابع ملی و طبیعت حفظ آب و خاک از طریق آبخیزداری و آبخیزداری منافع حاکمیتی حفاظت مراتع (حفظ، احیاء و توسعه پوشش گیاهی مراتع) از لحاظ گونه‌های گیاهی علوفه‌ای، دارویی و خوراکی انسان
سازمان جهادکشاورزی استان، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان و مرکز خدمات کشاورزی	استان / شهرستان / بخش	افزایش تولید در جهت تأمین غذا و امنیت غذایی حفاظت از منابع ملی حفاظت از آب و خاک
روستاییان ساکن حوضه	روستا	تولیدات زراعی، باغی و دامی برای تأمین نیاز معیشت خانوار بهره‌برداری از گونه‌های خوراکی - مصرفی مثل گزانگبین بهره‌برداری از گیاهان دارویی مراتع
عشایر	روستا	بهره‌برداری از علوفه مراتع و تولیدات دامی برای تأمین معیشت خانوار بهره‌برداری از گونه‌های خوراکی و دارویی بهره‌برداری از مرتع برای تأمین سوخت
شورای حل اختلاف	روستا	رسیدگی و حل اختلافات بین مردم ایجاد آرامش در بین مردم
شورای اسلامی	روستا	حل مشکلات رفاهی مردم کمک به مردم در جهت تأمین نهاده‌های کشاورزی به طور کلی تلاش در جهت تأمین رضایت مردم از شورا
تعاونی روستایی	روستا	تجمیع سرمایه‌ها تأمین نهاده‌های مشترک کشاورزی به صورت عمده تهیه و عرضه کالا و خدمات مورد نیاز روستایی

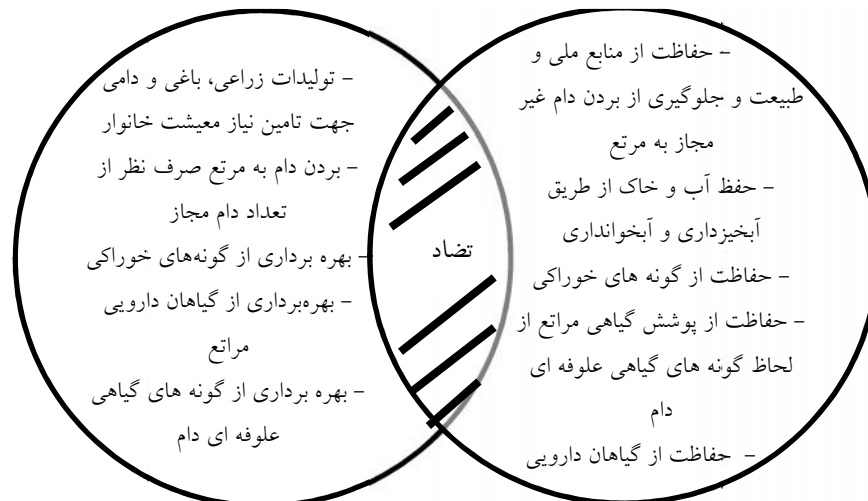
تضاد مردم با اداره و کارشناسان منابع طبیعی

مردم ساکن حوضه بدنبال تولیدات زراعی، باغی و دامی برای تأمین نیاز معیشت خانوار، بهره‌برداری از گونه‌های خوراکی و دارویی مراتع هستند. این منافع به شکل متضادی ظهور پیدا کرده و باعث ایجاد اختلاف و درگیری بین مردم و منابع طبیعی شده است.

همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، کنشگران مختلف دارای منافع مختلفی می‌باشند و برای دستیابی به این منافع تلاش می‌کنند. در بسیاری از موارد ذی‌نفعان بعثت نیازها و منافع متضاد دچار رقابت و درگیری می‌شوند. به‌عنوان مثال همان‌گونه که شکل ۲ نشان می‌دهد، کارشناسان منابع طبیعی به‌طور کلی به دنبال حفاظت از منابع ملی هستند، از طرفی

جدول ۲- نمونه‌هایی از نقل قول‌های مستقیم کنشگران پیرامون منافع شان

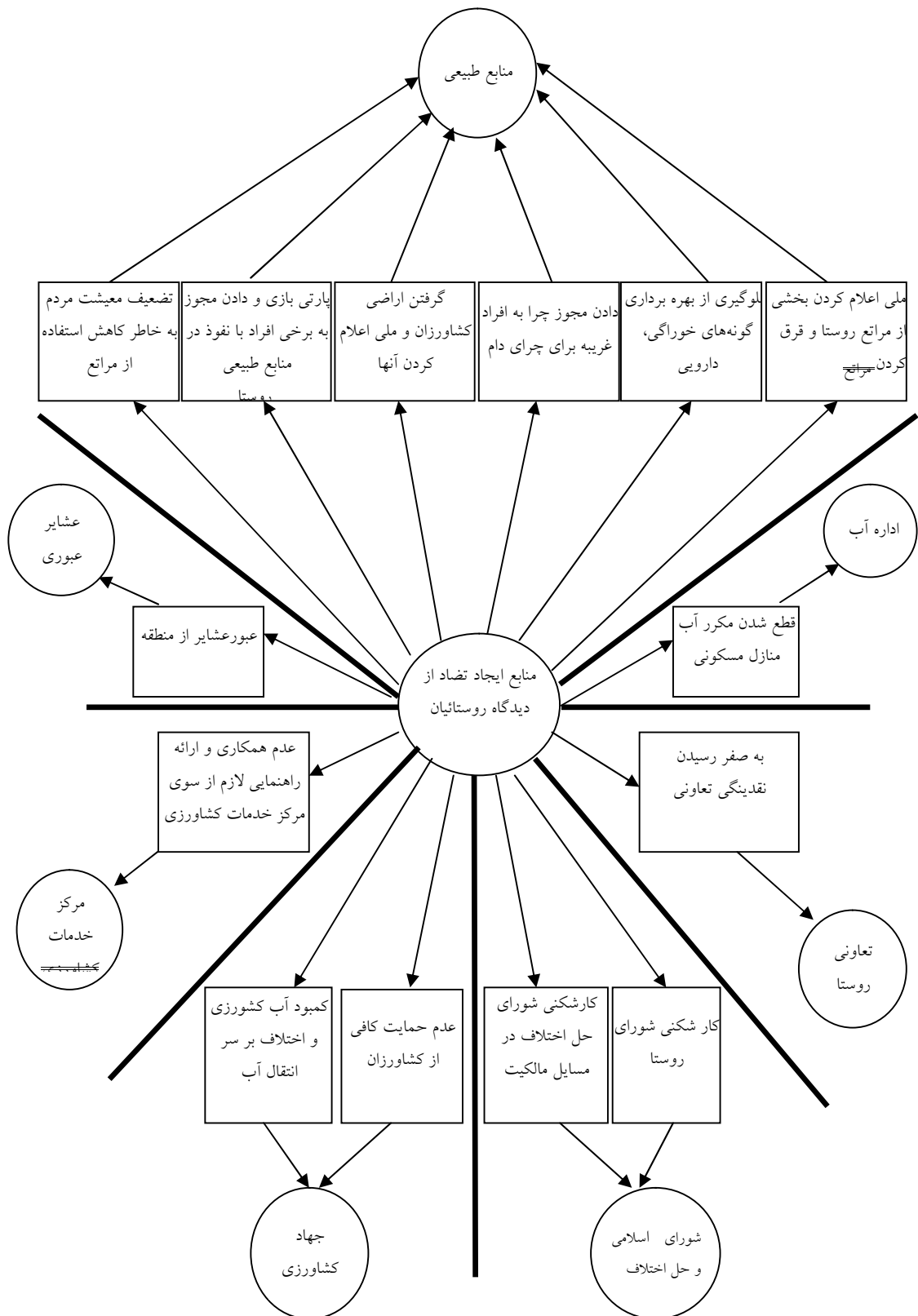
کارشناسان / کنشگران	نقل قول
کنشگران حفاظت‌گرا	منافع ما منافع حاکمیتی است. ما به لحاظ وظایف حاکمیتی که داریم یک منافی را دنبال می‌کنیم که این منافع جزء منافع ملی است و در آینده این منافع می‌توانند بسیار مفید و مؤثر باشند. به‌عنوان مثال ما حفاظت خاک می‌کنیم، حفاظت خاک تأمین آب رودخانه‌ها را برای نسل‌های آینده تضمین می‌کند. این منافی است که هم به لحاظ حاکمیتی برای ما تعریف شده هم به لحاظ اجتماعی می‌توان آن را تعریف کرد برای نسل‌های آینده.
کنشگران تولیدگرا	منافع ما افزایش تولید محصولات کشاورزی در جهت تأمین غذای مردم، و حفظ آب و خاک است. این منافع دولتی است، یعنی منافع خاص سازمان یا وزارت‌خانه نیست، این منافع ملی دارد و منابع آن باید حفظ شود.
مردم حوضه	منافع ما دامداری و زراعت است. مردم روستا برای گذراندن زندگی خود با مشکل مواجه هستند. به دلیل همین که بیشتر منابع اینجا ملی اعلام شده است. کشاورزی وسیع و مکانیزه نیست و جوانان روستا مجبور هستند که مهاجرت کنند.



شکل ۲- نحوه شکل‌گیری تضاد بین مردم روستا با اداره و کارشناسان منابع طبیعی

کارشناسان جهاد کشاورزی از کشاورزان می‌خواهند زمین‌شان را در جهت شیب شخم نزنند؛ و یا باغ‌های خود را به سیستم آبیاری قطره‌ای مجهز کنند. اما عدم توجه به این توصیه‌ها باعث ایجاد اختلاف با مردم می‌شود. همچنین روند کند کارهای عمرانی که در حال حاضر در حال اجرا هستند باعث ایجاد تضاد شده است.

تضاد با کنشگران تولیدگرا هدف اصلی کارشناسان جهاد کشاورزی افزایش تولیدات کشاورزی در جهت تأمین غذای مردم و هدف دوم آنها حفاظت از منابع آب و خاک می‌باشد. بنابراین در راستای نیل به این اهداف، انتظار دارند که مردم به توصیه‌هایی که آنها می‌دهند توجه کنند. عدم توجه به این توصیه‌ها باعث ایجاد اختلافاتی بین این دو کنشگر شده است. به‌عنوان مثال



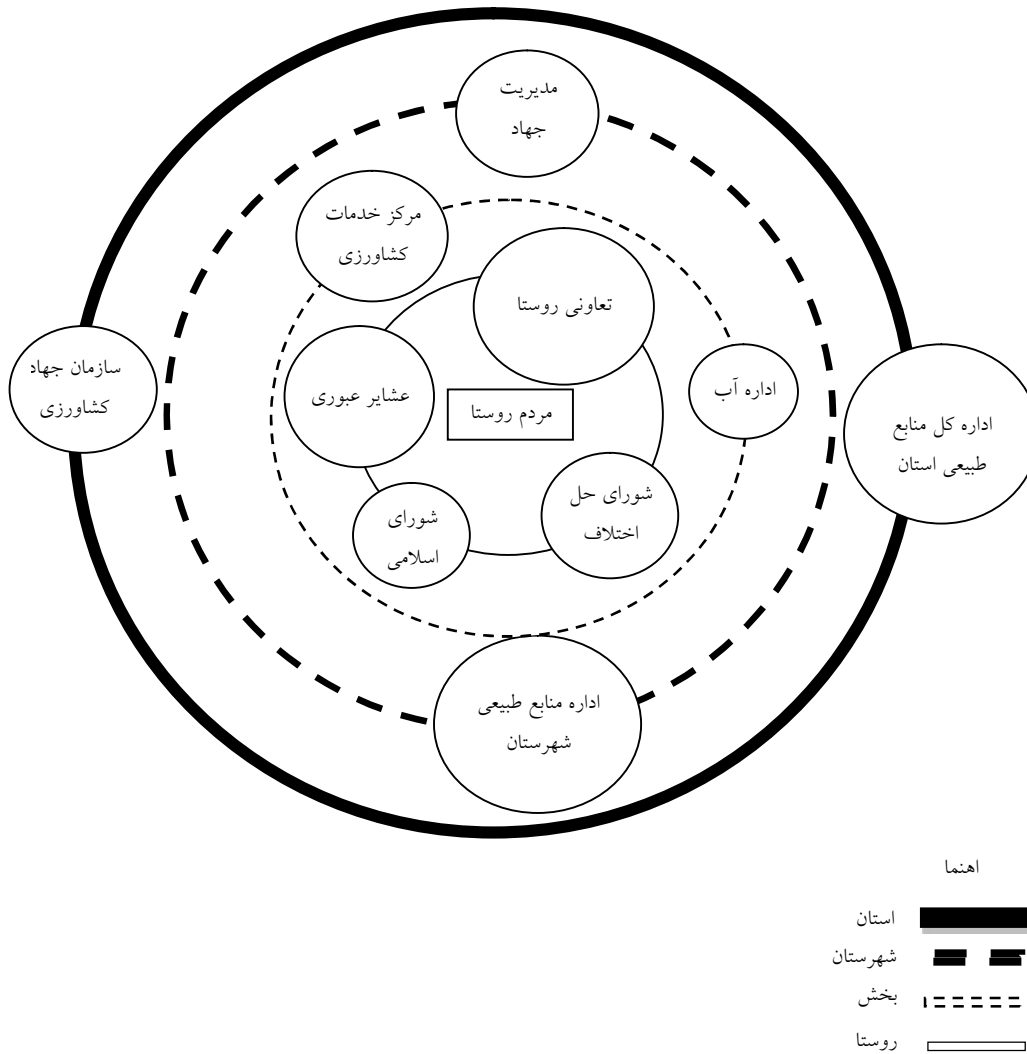
شکل ۳- منابع ایجاد تضاد از دیدگاه مردم روستای دوراهان

تضاد مردم با نهادهای درونی داخل روستا
 الف) تضاد با شوراهای روستا: در حوضه چشمه‌علی هر دو روستای چشمه‌علی و له‌دراز دارای شورای اسلامی روستا بودند ولی در حوضه دوراهان دو روستای گردبیشه و ده‌خدا فاقد شورای اسلامی بودند. مردم از عملکرد ضعیف شوراها در رابطه با موضوع منابع طبیعی روستا رضایت نداشتند. آنها شوراها را یا مسئول اجرای قوانین از طرف دولت می‌دیدند یا دید مردم نسبت به آنها به گونه‌ای بود که اعضای شورا با گرفتن امتیازاتی از دولت دیگر از مردم طرفداری و حمایت نمی‌کردند. ب) تضاد با تعاونی روستا: در حوضه آبخیز دوراهان فقط روستای دوراهان تعاونی روستایی داشت و در حوضه چشمه‌علی هر دو روستای چشمه‌علی و له‌دراز دارای تعاونی روستایی بودند. تعاونی روستای چشمه‌علی در سال‌های گذشته فعالیت خوبی از جمله توزیع سوخت مورد نیاز مردم و تهیه مایحتاج مردم مثل آرد داشت، ولی در دو سال اخیر به دلیل بازنشسته شدن مسئول آن و عدم جایگزینی نیرویی برای اداره کردن تعاونی، فعالیت‌های آن با رکود مواجه شده بود که خود نارضایتی مردم را به همراه داشت. فعالیت تعاونی روستای له‌دراز نیز بسیار محدود بود و مردم این روستا نیز از عملکرد آن راضی نبودند. در نهایت اهالی روستای دوراهان تضاد شدیدی با

مسئولان تعاونی روستای دوراهان، به دلیل عدم فراهم نمودن مایحتاج مردم و به صفر رساندن تقدینگی آن داشتند. پ) تضاد با شورای حل اختلاف: مردم روستاهای حوضه دوراهان از عملکرد شورای حل اختلاف روستا، به‌ویژه در مورد مسائل مالکیت بسیار ناراضی بودند و معتقد بودند که این شورا خود باعث ایجاد تضاد می‌شود. آنها عدم توانایی اعضای شورا را در حل اختلافات روستاییان از جمله مهمترین عاملی معرفی کردند که باعث ایجاد عدم اعتماد مردم به این شورا شده است.

شدت تضادهای مردم روستا با دیگر کنشگران

مردم حوضه‌های دوراهان و چشمه‌علی با کنشگران بیرونی و نهادهای درون جامعه روستایی در تضاد می‌باشند ولی شدت این تضادها با یکدیگر متفاوت است. با استفاده از نمودار ون این تفاوت شدت مشخص گردید. همانطور که شکل ۴ نشان می‌دهد، شدت تضاد کنشگران مردم روستا با اداره کل منابع طبیعی استان و اداره منابع طبیعی شهرستان به مراتب بیشتر از سایر کنشگراهاست، سپس اختلافات مردم با تعاونی روستا و عشایر عبوری در درجه بعد قرار دارد و بعد از آن به ترتیب تضاد با سازمان جهاد کشاورزی استان، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان، مرکز خدمات کشاورزی، شورای روستا و اداره آب قرار می‌گیرد.



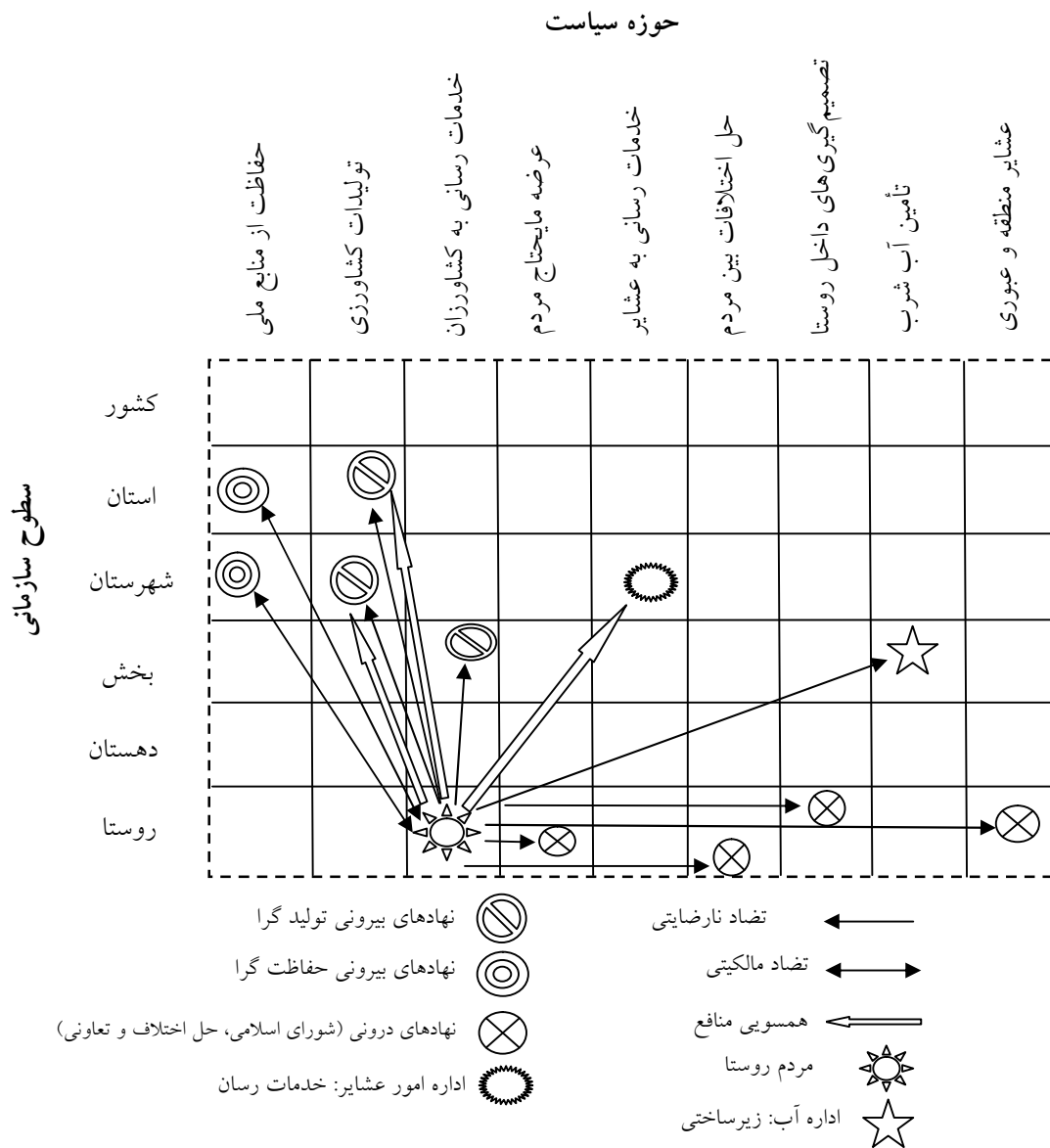
هر چه شکل بزرگتر نشان دهنده تضاد بیشتر کنشگر با روستاییان

شکل ۴- نمونه‌ای از نمودارهای ون روستای دوراهان پیرامون کنشگرهای موجود، سطوح جغرافیایی و میزان تضاد آنها

ترسیم الگوی تضاد بین کنشگران

با شناخت انواع کنشگران، جهت‌گیری‌ها، منابع و منافع آنها کشیدن یک تصویر از وضعیت در عرصه کنشگران ممکن می‌شود. در حقیقت الگوی تضاد از یک جدول گرافیکی دو بعدی تشکیل شده است، که در یک سطح

نمادها و گروه‌ها در سطوح جغرافیایی مختلف (از محل گرفته تا سطح کشور) قرار می‌گیرند و در بعد دیگر این جدول کنشگران بیرونی قرار می‌گیرند. در الگویی که برای نمونه از روستای دوراهان در شکل ۵ آورده شده است،



شکل ۵- نمایش گرافیکی از الگوی تضاد در روستای دوراهان

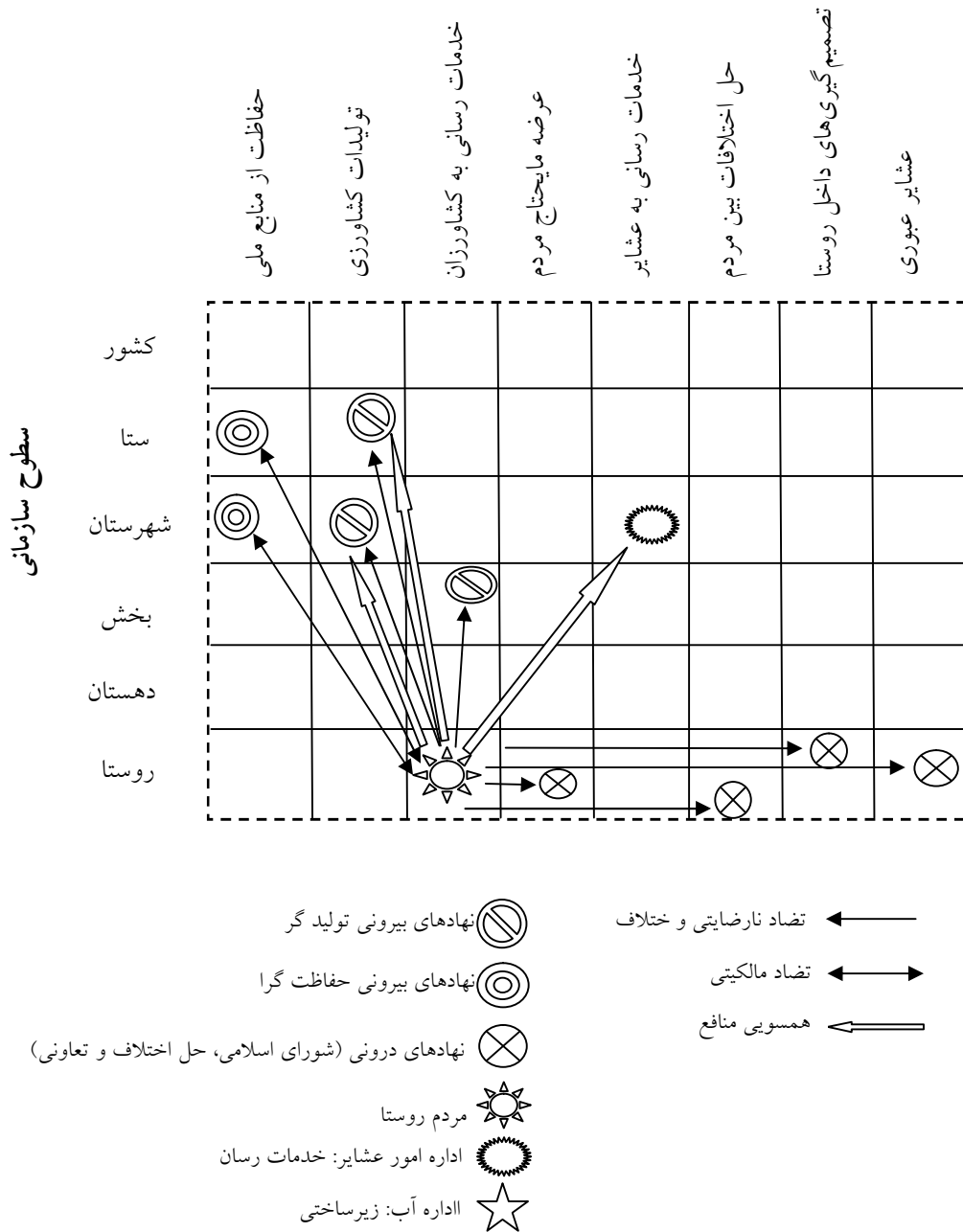
گرفته شده، و از طرف دیگر بدلیل مشکل تأمین آب، تضاد دارند که این تضاد به صورت اختلاف و نارضایتی خود را نشان داده است. اما با وجود اختلاف بین این دو کنش‌گر، منافع آنها در تولید محصولات کشاورزی با یکدیگر همسو می‌باشد. علاوه بر این مردم روستا با مرکز خدمات کشاورزی به دلیل عدم خدمات رسانی مناسب، با اداره آب به دلیل عدم تأمین آب شرب، با تعاونی روستا به دلیل فراهم نمودن مایحتاج مردم، با شورای حل اختلاف به دلیل

همان‌طور که در شکل ۵ نشان داده شده است، مردم روستای دوراهان به دلیل سیاست‌های حفاظت از منابع ملی با اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و اداره منابع طبیعی شهرستان تضاد مالکیتی دارند (زمین‌های کشاورزی و مراتع که در بخش‌های قبل بیان شد آنها به‌عنوان منابع ملی اعلام شده‌اند). همچنین مردم با سازمان جهاد کشاورزی استان و مدیریت جهاد کشاورزی از یک طرف به دلیل دیدگاه‌های حرفه‌گرایی معمول که برای افزایش محصول

طرفی همانطور که در شکل مشخص است، منافع مردم روستا با منافع اداره امور عشایر همسو می‌باشد، و این دو کنش‌گر با یکدیگر تضاد ندارند.

تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه و با شورای اسلامی روستا به دلیل عدم حمایت از مردم، تضاد دارند که این تضاد نیز به صورت اختلاف و نارضایتی خود را نشان داده است. از

حوزه سیاست



شکل ۶- نمایش گرافیکی از الگوی تضاد در روستای چشمه‌علی

کارشناسان منابع طبیعی دارند با چشمی دیگر به آنها نگاه کنند."

"اختلافاتی که بین مردم ایجاد می‌شود و به شورای حل اختلاف می‌روند، اعضای شورا بجای اینکه آنها را صلح دهند سریع آنها را به دادگستری می‌فرستند. خود من به خاطر درگیری بابت زمین کارمان به شورای حل اختلاف کشیده شد. رئیس شورای حل اختلاف که یک‌طرفه قضاوت کرد و در نهایت کار ما به دادگاه کشیده شد."

این دو پیامد دست به دست هم داده و باعث بروز پیامد "مهاجرت" شده است. مهاجرتی که در شکل غالب خود، ناشی از نیاز جوانان به درآمد بیشتر برای برخورداری از مواهب و نیازهای زندگی جدید می‌شد. به نحوی که همین مهاجرت اکنون موجب ایجاد نیازهای بس جدی در روستا شده است که بسیار حیاتی و مهم می‌باشند. به‌نحوی که عدم توجه به آنها حتی خطر نابودی روستا را نیز می‌تواند به همراه داشته باشد.

همان‌طور که شکل ۷ نشان می‌دهد، طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد خانوارهای روستای ده توت در این سال، ۵۶ خانوار محاسبه شد، ولی به گفته اعضای شورای این روستا، پس از مهاجرت ۲۹ خانوار، تعداد خانوار آن در سال ۱۳۹۳ به ۲۷ خانوار کاهش یافت که اغلب افراد مسن را شامل می‌شد. همچنین جمعیت روستای دوراهان از ۸۲۹ نفر در سال ۱۳۸۵، به ۷۰۰ نفر در سال ۱۳۹۳ رسید، ولی تعداد خانوار این روستا از ۲۱۵ خانوار به ۲۲۱ خانوار افزایش یافت. این موضوع نشان می‌دهد که در روستای ده توت، بیشتر خانوارها مهاجرت کرده‌اند، ولی در روستای دوراهان بیشتر افراد درون خانوارها مهاجرت داشته‌اند.

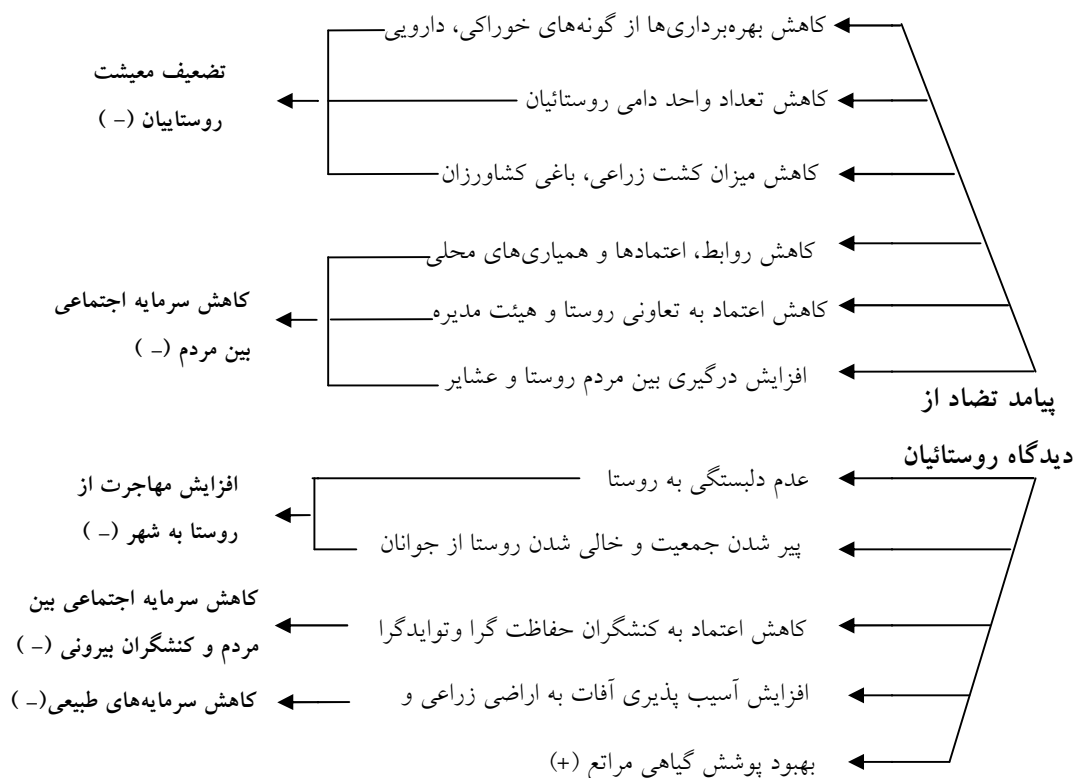
اثرات تضاد بر معیشت خانوارهای روستایی همان‌گونه که شکل ۷ نشان می‌دهد تضاد بین کنش‌گران، اثرات و نتایج زیادی را به بار آورده است. در بین این اثرات کاهش معیشت مردم و بدنبال آن مهاجرت نسبت به سایر نتایج برای اهالی حوضه محسوس‌تر است. کاهش تعداد واحد دامی، کاهش میزان کشت زراعی و باغی و کاهش بهره‌برداری‌ها از گونه‌های خوراکی و دارویی باعث تضعیف معیشت اهالی این دو حوضه آبخیز شده است. در همین زمینه نمونه‌ای از نقل قول‌ها در ذیل آورده شده است.

"کارشناسان منابع طبیعی آمدند و زمین‌هایی که ما کشت می‌کردیم را منابع ملی اعلام کردند. ما شکایت کردیم ولی قاضی طرف کارشناسان منابع طبیعی را گرفت و تهدید کردند که اگر اراضی را کشت کنید و دام به مرتع ببرید با قانون طرف هستید. من برای خرج خانواده‌ام مجبور بودم دام به مرتع ببرم."

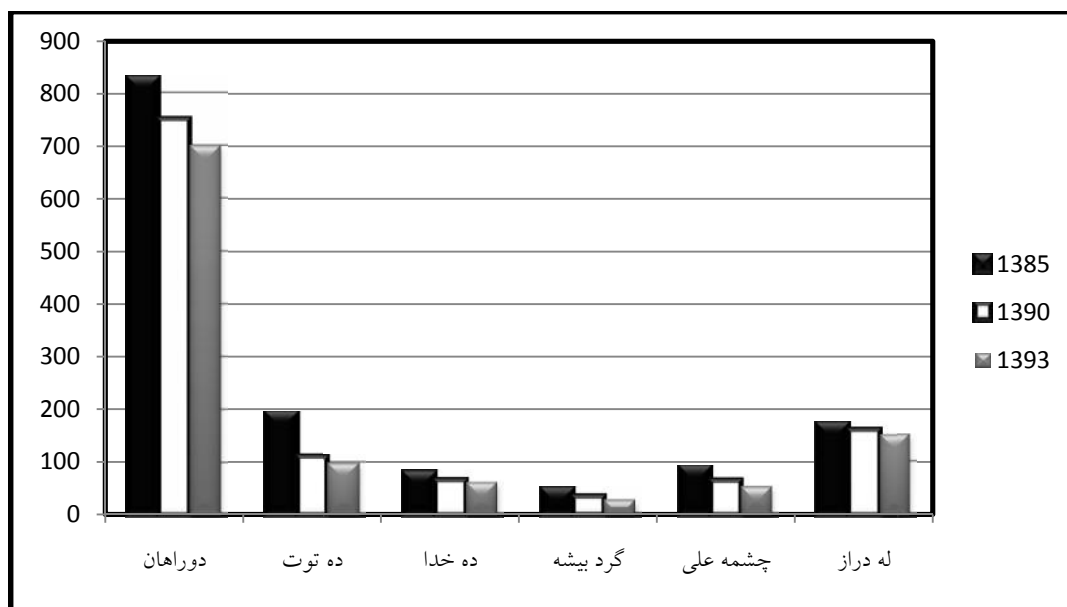
"اداره منابع طبیعی زمین‌های ما را گرفت و اکثر مراتع را منابع ملی اعلام کرد. ما از حقوق خود کوتاه نمی‌آییم. ما باید خرج زندگی رو در بیاوریم. باید زمین‌ها را به ما برگردانند وگرنه ما شبانه هم که شده از مرتع استفاده می‌کنیم."

همچنین تضاد باعث کاهش سرمایه‌های اجتماعی از لحاظ کاهش روابط، اعتمادها و همیاری‌ها بین روستائیان شده است. در این زمینه نیز نمونه‌هایی از نقل قول روستائیان آورده شده است.

"در قدیم مردم به هم خیلی اعتماد داشتند، به هم کمک می‌کردند، روابط و شب‌نشینی‌ها زیاد بود. در کل صمیمیت بین مردم خیلی بالا بود. ولی الان اینطور نیست. مردم روستا اعتماد زیادی بهم ندارند، خصوصاً اختلافات با اداره منابع طبیعی باعث شده مردم روستا به افرادی که ارتباط خوبی با



شکل ۷- پیامدهای تضاد بین کنشگران عرصه منابع طبیعی از دیدگاه روستائیان



* منبع اطلاعات سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰: مرکز آمار ایران (۱۳۸۶ و ۱۳۹۱)
 **: منبع اطلاعات سال ۱۳۹۳ از شوراهای اسلامی روستا و خانه بهداشت اخذ شده است.

شکل ۸- وضعیت مهاجرت در روستاهای حوضه‌های دوراهان و چشمه‌علی

بحث

مهمترین تضاد بین کنش‌گران اجتماعی در مدیریت منابع طبیعی در حوضه‌های آبخیز، بین روستاییان و اداره کل منابع طبیعی دیده می‌شود. یکی از عوامل مهم تضاد نوع وابستگی و بهره‌برداری مردم از منابع طبیعی است. در همین زمینه از دید Reichel و همکاران (۲۰۰۹) بین گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از منابع طبیعی اختلاف و درگیری وجود دارد؛ یکی از دلایل تضاد بین گروه‌های متعدد از جمله در ماهیگیران جاوایی، کشاورزان ساندانسی در مرکز و غرب جاوا و صاحبان مزرعه میگو، استفاده از زمین و جنگل‌های مانگرو (Mangrove) (چندل) می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که امکان درگیری بین گروه‌های مختلف ذینفع در تالاب سگارا آناکان (Segara Anakan) زمانی کاهش می‌یابد که مشکل کمبود منابع طبیعی کاهش یابد. همچنین O'Lear (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان مسائل منابع در تضاد منطقه‌ای، بیان می‌دارد اگرچه یکی از دلایل ایجاد تضاد بین گروه‌های ذینفع، کمبود منابع است، اما فراوانی منابع نیز نقش بالقوه‌ای در ایجاد تضاد دارد. از این رو اکولوژی سیاسی در زمینه‌های خاص مورد مناقشه به عنوان یک رویکرد مناسب به رسمیت می‌شناسد. در استان چهارمحال و بختیاری نیز به‌ویژه در روستاهای واقع در دهستان دوراهان به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی، مردم ساکن حوضه‌های آبخیز ناچار هستند معیشت خود را از طریق طبیعت تأمین کنند. این مسئله نیز در بسیاری از مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری وجود دارد. با وجود این، هر دو حوضه آبخیز ظرفیت‌های زیادی برای ایجاد اشتغال و تنوع سازی معیشت دارند، ولی اقدام ویژه‌ای از سوی مؤسسات بیرونی در این زمینه انجام نشده است. از این رو روستاییان به ناچار معیشت خود را از طریق طبیعت به دست می‌آورند. با وجود اینکه بسیاری از روستاییان از این موضوع آگاهی دارند که بهره‌برداری‌های بیش از ظرفیت مرتع باعث تخریب مراتع می‌شود، ولی برای گذران زندگی ناچار هستند که بهره‌برداری بیشتری از مراتع داشته باشند. از طرفی به دلیل اینکه بهره‌برداری‌های انجام شده از منابع

طبیعی بیش از حد توان طبیعت است، کنش‌گرهایی مثل اداره منابع طبیعی که متولی حفاظت از طبیعت و منابع ملی هستند، از این بهره‌برداری‌های مفرط جلوگیری کرده‌اند. به عنوان مثال در تفکیک اراضی ملی از مستثنیات، بخشی از اراضی کشاورزی مردم جزء منابع ملی اعلام شده است و کشاورزان حق زراعت در این زمین‌ها را ندارند. بهره‌برداری گونه‌های دارویی، علوفه‌ای و به‌ویژه گونه‌های خوراکی غالب منطقه نظیرمانند گزانگبین که از لحاظ اقتصادی می‌توانست برای ساکنان حوضه سودآوری بالایی داشته باشد جلوگیری شده بود. همچنین کارشناسان منابع طبیعی، طبق قانون مردم را ملزم کرده بودند که به اندازه ظرفیت مرتع دام نگه‌داری کنند، و از ورود دام غیرمجاز جلوگیری می‌کردند. با توجه به مطالبی که بیان شد مردم حوضه‌های آبخیز سه راهبرد در این زمینه می‌توانستند در پیش بگیرند: ۱) به قوانینی که از سوی کارشناسان منابع طبیعی ابلاغ می‌شود، عمل کنند، ۲) به سازمان‌های ذی‌ربط مراجعه و شکایت کنند، و ۳) قوانین وضع شده از سوی کارشناسان منابع طبیعی را نادیده بگیرند.

به دلیل اینکه عمل به دستورات و قوانین کارشناسان منابع طبیعی منجر به کاهش معیشت مردم روستاهای حوضه‌ها می‌شود، آنها راهبردهای دوم و سوم را اتخاذ و ترجیح می‌دهند. به بیان دیگر، پس از ناامید شدن از اعلام شکایت یا اعتراض خود به سازمان‌ها و مراجع ذی‌ربط، قوانین وضع شده از سوی اداره منابع طبیعی را نادیده می‌گیرند، ولی با برخوردهای انجام شده و بازداشت افراد، عده‌ای مجبور به تبعیت از قوانین و دستورات می‌شوند. با وجود این، عده‌ای از افراد که تضعیف معیشت آنها تأثیر بسزایی در زندگی آنها می‌گذاشت، هرگز از منافع خود کوتاه نمی‌آمدند. کاهش معیشت اگرچه خود یکی از پیامدهای اصلی تضاد بین کنش‌گران بشمار می‌رود، اما خود باعث بروز پیامدهای دیگری می‌شود.

علاوه بر اداره کل منابع طبیعی، کنش‌گران مهم دیگری در این دو حوضه وجود دارند، که مهم‌ترین آنها کنش‌گران تولیدگر هستند. منافع اصلی این کنش‌گران، افزایش تولید

شغل‌های جدید و افزایش درآمد در احیاء، توسعه و حفاظت از مراتع نیز سهیم شوند.

ارائه برنامه‌های ترویج تنوع سازی معیشت به بهره‌برداران: دستیابی به برنامه‌های حفاظت مراتع به صورت پایدار در گرو ارائه برنامه‌های ترویجی و بهبود دانش و مهارت‌های بهره‌برداران در مورد شیوه‌های متداول و نوین کشاورزی و غیر کشاورزی است، تا بدین‌وسیله بتوانند توانمندی‌های لازم را برای بکارگیری راهبردهای تنوع بخش به معیشت آنها پیاده کنند.

حمایت از حق بهره‌برداری از مراتع: دولت باید وضعیتی را فراهم کند تا بهره‌برداران بتوانند به‌طور ثابت و مطمئن به شغل مرتع‌داری و دامداری بپردازند و به کسب درآمد ثابت دلگرم شوند. اگر نیاز علوفه‌ای دام‌های بهره‌برداران بیش از ظرفیت تولیدی مراتع آنان باشد، نسبت به جایگزینی مشاغل دیگر با درآمد ثابت اقدام شود. در این زمینه باید از تمامی توانمندی‌های تنوع ساز برای ساماندهی جمعیت بهره‌بردار استفاده کرد.

با توجه به گستردگی عرصه‌های منابع طبیعی، هرچه بتوان مردم را در طراحی، اجرا و تصمیم‌گیری دخالت و مشارکت داد، شاهد حفاظت و احیای بهتر و بهره‌برداری صحیح‌تر از این عرصه‌ها خواهیم بود. مشارکت مردم در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های منابع طبیعی باعث رشد سرمایه‌گذاری در این بخش خواهد شد و فعالیت‌ها و اقداماتی که با مشارکت مردم اجرایی می‌شود، از پایداری بیشتری برخوردار خواهند بود. با توجه به اهمیت بخش منابع طبیعی، چنانچه مدیریت این بخش به مردم سپرده شود به بهترین وجه از آن استفاده خواهد شد و مردم حافظان خوبی برای این منابع خواهند بود. این امر نیز در صورتی محقق خواهد شد که به شرایط و امکاناتی که بهره‌برداران دارند از جمله وضعیت معیشت آنان توجه شود.

از آنجایی که یکی از علت‌های مهم نابودی و از بین رفتن مراتع، چرای دام بیش از ظرفیت مرتع می‌باشد، و کارشناسان منابع طبیعی یکی از عوامل اصلی تضاد را این مورد می‌دانستند، برای رسیدن به تعادل دام و مرتع موارد

محصولات کشاورزی و حفاظت از منابع ملی در مرحله بعد مورد توجه آنها قرار می‌گیرد. کارشناسان جهاد کشاورزی انتظار دارند بهره‌برداران روستایی در جهت افزایش محصولات کشاورزی حرکت کنند و تمام توصیه‌هایی که کارشناسان به آنها می‌دهند را بپذیرند. در حقیقت، در اینجا یک دیدگاه حرفه‌گرایی معمول غالب شده است. یعنی یک دیدگاه بالا به پایین که معتقد است هرچه کارشناسان می‌گویند، مردم باید آن را بپذیرند. این دیدگاه باعث وجود اختلافاتی بین مردم با این دسته از کنش‌گران شده است.

از طرف دیگر روند کند پروژه‌هایی که در حوضه دوراهان و چشمه‌علی در حال اجرا است و وعده‌هایی که برای سرعت بخشیدن به این پروژه‌ها به مردم داده شده است، به دلایل متعددی از جمله کمبود منابع مالی این وعده‌ها تحقق پیدا نکرده‌اند. این باعث بروز اختلاف بین مردم و کارشناسان جهاد کشاورزی شده است. عامل اصلی این اختلافات به مشکل کمبود آب در روستاهای دوراهان و ده توت و کاهش شدید کشت زراعت آبی است و به دنبال آن تضعیف معیشت مردم این روستاها می‌باشد.

برای حل مناقشات و مدیریت این تضادها می‌توان گفت، با توجه به گفته‌های کنش‌گران، یکی از علت‌های اصلی تضاد، کمبود شغل در استان می‌باشد و روستاییان مجبور هستند مشاغل خود را از طریق طبیعت تأمین کنند. از این رو پیشنهادها زیر در جهت تنوع سازی معیشت با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود در حوضه‌های آبخیز مورد مطالعه مطرح می‌شود:

با توجه به گستردگی اراضی ملی باید تلاش شود تا این اراضی در خدمت تولید و اشتغال پایدار و بدون تخریب منابع قرار گیرد که در این صورت شاهد تحول بسیار بزرگی در این عرصه خواهیم بود. به‌عنوان مثال می‌توان از طرح‌هایی مانند طرح طوبی از بهره‌برداران حمایت کرد و از سوی دیگر باعث اقتصادی شدن حفظ و احیای منابع طبیعی از سوی مسئولان نیز شد. در این طرح بهره‌برداران مرتع می‌توانند از طریق تشکیل تعاونی یا به صورت انفرادی به بهره‌برداری اصولی از این زمین‌ها بپردازند و علاوه بر ایجاد

زیر پیشنهاد می‌شود:

محصولات آنها را از بین برده است. در همین زمینه موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- الف) ایجاد شبکه مراقبت، شناسایی و پیشگیری از طغیان آفات و بیماری‌ها در عرصه‌های منابع طبیعی؛
- ب) آموزش پرسنل مرکز خدمات برای افزایش اطلاعات و کارایی آنان برای انتقال به کشاورزان و باغداران و ارائه آموزش‌های لازم به آنها؛
- پ) تأمین نهاده‌ها و تجهیزات کشاورزی مورد نیاز مردم (مانند کود، سم و غیره).
- ت) اقدامات لازم در جهت افزایش کارایی بخش خصوصی.

منابع مورد استفاده

- ابدی، ب. و لاجینی، ز.، ۱۳۸۵. مدیریت تضاد و فرایند مداخله‌گری ترویج کشاورزی. تعاون، ۸۴ (۲۷۳): ۴۵-۴۳.
- امیری، ب. و رسولی، ب.، ۱۳۸۷. ارزیابی مهمترین چالش‌های فرا روی مراتع گیلان. دومین همایش منطقه‌ای منابع طبیعی و محیط زیست، اسفندماه ۱۳۸۷.
- رضائیان، ع.، ۱۳۸۲. مدیریت تعارض و مذاکره (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته). تهران، انتشارات ارمغان.
- صنوبر، ن. و شفقینی، م.، ۱۳۸۵. آبخیزداری گامی مؤثر در مدیریت حوضه‌های آبخیز و منابع آب حوضه کارون، اولین همایش منطقه‌ای بهره‌برداری بهینه از منابع آب حوضه‌های کارون و زاینده رود، شهرکرد: ۱۴-۱۵ شهریور.
- غفوری، م. و سررشته داری، ا.، ۱۳۸۶. سیر تکامل مدیریت حوضه آبخیز - نسل سوم. چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، مدیریت حوضه‌های آبخیز، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، مرکز آمار ایران.

ارائه برنامه‌های ترویجی کوتاه‌مدت و مداوم به بهره‌برداران بسیار ضروری به نظر می‌رسد، تا آنها بتوانند روش‌های مرتع‌داری و تعادل دام و مرتع را به صورت اصولی و علمی بیاموزند. اجرای طرح‌های تعادل دام و مرتع در قالب یک نظام مشارکتی قابل اجراست، و بدون مشارکت بهره‌برداران اجرای این طرح‌ها عقیم خواهد ماند. در همین زمینه بهره‌برداران می‌توانند با انجام فعالیت‌های بیولوژیکی (مانند بذریاشی، کودپاشی، بوته‌کاری و غیره) و دولت نیز با آموزش بهره‌برداران، ارائه تسهیلات لازم را به آنها و حمایت مالی در تأمین علوفه بهره‌برداران در زمان قرق مراتع و تأمین علوفه به قیمت مناسب برای دام‌ها کمک شایانی به اجرای هرچه بهتر طرح‌های تعادل دام و مرتع کنند. لازم به توضیح است که کنترل چرا بر اساس تعداد دام متناسب با پروانه چرای دامدار در شرایطی می‌تواند صحیح و امکان‌پذیر باشد که در رابطه با تأمین معیشت خانوارها چاره اندیشی گردد و برنامه‌های ترویجی و تسهیلات لازم در اختیار آنها قرار گیرد.

یکی از راه‌هایی که می‌تواند در تعادل دام و مرتع تأثیرگذار باشد ایجاد واحدهای پرواربندی، تولید و نگهداری دام‌های مناسب توسط بهره‌برداران است. این کار می‌تواند یک فعالیت اقتصادی و درآمدزا برای بهره‌برداران باشد. در این روش دام‌های مازاد در مراتع نگهداری نمی‌شوند بلکه در واحدهای پرواربندی نگهداری می‌شوند و زمانی که وزن آنها به حد مطلوب رسید، روانه بازار فروش می‌شوند.

دادن تسهیلاتی همانند وام‌های کم‌بهره به دامداران و بهره‌برداران: اکثریت بهره‌برداران از درآمد بالایی برخوردار نیستند و باید مورد حمایت مالی دولت قرار بگیرند. وام و تسهیلات بانکی کمک قابل توجهی به بهره‌برداران می‌کند تا آنان بتوانند در حفظ و احیای مراتع بیش از پیش تلاش کنند.

همان‌طور که بیان شد مردم حوضه‌های دوراهان و چشمه‌علی از عدم خدمات‌رسانی مناسب مرکز خدمات کشاورزی ناراضی بودند، و بیان کردند که آفات بسیاری از

- between stakeholder groups affecting the ecology and economy of the segara anakan region. *Regional Environmental Change*, 9(4), 335-343.
- Sauer, A., 2008. Conflict pattern analysis: Preparing the ground for participation in policy implementation. *Systemic Practice and Action Research*, 21(6), 497-515.
- UNDP., 2012. Toolkit and guidance for preventing and managing land and natural resources conflict. UN, 51p.
- Yin, R., 2003. Case study research: Design and methods. Sage Publications, 5, 11 .
- Zacharakis, J., 2005. Conflict as a form of capital in controversial communitydevelopment projects. *Journal of extension*, 44(5). 1-17.
- Zartman, I. W., 1997. Governance as conflict management: Politics and violence in west africa: Brookings Institution Press Washington, DC.
- Giesen, B., Intellektuelle, politiker und experten: Probleme der konstruktion einer europäischen identität. Lebensverhältnisse und soziale Konflikte im neuen Europa. *Verhandlungen des*, 26, 492-504 .
- Helvetas, B., 2010. Helvetas guideling natural resources and conflict. USA, 4p.
- Kantek, F. and Gezer, N., 2009. Conflict in schools: Student nurses' conflict management styles. *Nurse education today*, 29(1):100-107
- Karamidehkordi, E., 2010. A country report: Challenges facing iranian agriculture and natural resource management in the twenty-first century. *Human Ecology*, 38(2): 295-303.
- O'Lear, S., 2005. Resource concerns for territorial conflict. *GeoJournal*, 64(4):297-306.
- Reichel, C., Frömming, U. and Glaser, M., 2009. Conflicts

Analyzing stakeholders ' conflict network in natural resources conservation and exploitation: Case study: the Dorahan and Cheshme Ali Watersheds

M. Ghasemi^{1*} and E. Karamidehkordi²

1-* Corresponding author, Postgraduate of Rural Development and Ph.D. Student, University of Zanjan, Iran, Email: mehdighasemi1990@yahoo.com

2- Associate Professor, Department of Agricultural Extension, Communication and Rural Development, University of Zanjan, University of Zanjan, Iran

Received:9/6/2015

Accepted:3/8/2015

Abstract

Natural resources are mostly considered as a common property of different relevant actors that may have different and competitive interests. In many cases, these stakeholders may have conflicts over natural resources due to their livelihood needs or other interests. Managing these conflicts is an important element of natural resources management. The purpose of this paper is to explore the actors and their interests and resources in the Dorahan and Cheshme Ali Watersheds, located in the Chaharmahal and Bakhtiari Province, as well as to illustrate the conflict pattern among them. A multiple case study methodology with multiple units of analysis was utilized. These two watersheds, comprising six villages, had various natural resources with different private and nationalized land properties. There was some reports showing property conflicts between rural people and the Natural Resources and Watershed Management Administration of this province. The data were collected using qualitative techniques such as observation, semi-structured interviews, focus groups, mapping and diagrams. The data were finally analyzed using the Conflict Pattern Assessment technique. The external actors and rural and nomadic communities had different interests in the watersheds, which caused conflicts among them. Moreover, these conflicts were at different levels. The highest level of conflict was identified between the communities and natural resources conservationists, while the conflict with other external actors was in a form of dissatisfaction of the services received. In addition, the conflict was reported inside the communities; between the households and rural organizations such as cooperatives and councils. The most important consequences of these conflicts have been weakening rural households' livelihoods, increasing rural – urban emigration and decreasing social capital. Despite the negative impacts, the conflict has had some short-term positive impacts on improving rangelands vegetation due to prohibiting rural livestock early grazing.

Keywords: Conflict, conservation, natural resources management, households' livelihood.